باسمه تعالی

سؤالات امتحانات داخلی / هماهنگ منطقه ای -در شهرستان / ناحیه / منطقه بهارنوبت اول ۱۴۰۱	
سؤالات امتحان درس :	شماره دانش آموز:
	تاریخ امتحان: ۱۴۰۱/۱۰/
نام و نام خانوادگی :	مدت امتحان : دقیقه
پایه/ رشته تحصیلی :	ساعت شروع :
نام آموزشگاه: امام خمینی(ره)	

ردیف	سؤالات نام دبیر:آقای عادل عربی	نمره

الف) قلمرو زبانی(۷نمره)

معنی واژه (۱نمره)

۱. پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد

۲. چون گشت زمین ز جور گردون سرد و سیه و خموش و آوند

۳. عشق از بهر این معنی فرض راه آمد.

۴. آدمی گمان می کند به غایت القصوای خود رسیده است

---

۵. در میان گروه کلمات زیر، نادرستی املایی را بیابید و تصحیح کنید. (۱نمره)

سوء حاضمه – داروغه – بی خردان سفله – احداس خاکریز – خان نعمت بی‌دریغش – اساس تزویر – مستقرق

---

۶. با توجه به معنا، املای صحیح واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید. (۱نمره)

الف- عاکفان کعبهٔ جلالش به تقصیر عبادت معترف و واصفان حلّیهٔ جمالش به تحیّر .....(منسوب منصوب)

ب- بخروش چو شرزه شیر ..... (ارقند- ارغند)

پ) تن زجان و جان ز تن ..... نیست (مستور – مسطور)

ت) دشمن ..... که در این دشت وسیع عملیات کند(عن غریب- عن قریب)

---

۷. در عبارتهای زیر وابسته ی وابسته کدام است؟ نوع آن را مشخص کنید؟(۱)

الف) تابستان وصال گرم و مهربان می آمد و مارا از غربت زندان شهر به کویر می‌بُرد

ب) در اینجا می توان چند حلقه چاه عمیق زد

---

۸. در عبارت زیر به ترتیب چند ترکیب وصفی و ترکیب اضافی وجود دارد؟ (۰/۵)

«کارمان از آن زندگی پر زرق وبرق به یک اتاق کرایه ای در یک خانه کشید.»

الف) پنج وصفی- دو اضافی　　ب) چهار وصفی- دو اضافی
پ) چهار وصفی- یک اضافی　　ت) پنج وصفی- یک اضافی

۹. نقش واژگان مشخص شده چیست؟(۱)

الف) تمام جهان عشق بیند.　　ب) فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران

۱۰. نوع «را» را در عبارات زیر مشخص کنید؟ (۰/۵)

الف) گفت تا داروغه را گوییم در مسجد بخواب　　ب) درد هر کس را که بینی در حقیقت چاره دارد

۱۱. فعل «نیست» را از نظر «معنایی- دستوری» در بیت زیر باهم مقایسه کنید.(۱)

«سر من از ناله من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست»

ب) قلمرو ادبی (۵ نمره)

۱۲. آرایه‌های «حسن تعلیل- اسلوب معادله- استعاره و تضاد » در کدام گزینه ها وجود دارد. مقابلش بنویسید.(۲نمره)

الف) عشق بر یک فرش بنشاند گدا و شاه را / سیل یکسان میکند پست و بلند راه را : .....
ب) تا چشم بشر نبیندت روی / بنهفته به ابر چهر دلبند : .....
پ) ترش بنشین و تیزی کن که ما را تلخ ننماید / چه می گویی چنین شیرین که شوری در من افکندی: .....
ت) ناله زیر و زار من زارتر است هر زمان / بس که به هجر می دهد عشق تو گوشمال من : .....

۱۳. مفهوم عبارات کنایی زیر را بنویسید(۱)

الف) در عشق قدم نهادن کسی را مسلّم شود که ترک خود بکند: .....
ب) از قدیم گفته‌اند کاچی به از هیچی: .....

۱۴. نام نویسنده آثار زیر را بنویسید: (۰/۵)

الف) فیه ما فیه: ب) تمهیدات:

---

۱۵. منظوم و منثور بودن آثار زیر را مشخص کنید(۰/۵)

الف) تذکره الاولیا ب) مثل درخت در شب باران

---

۱۶. ابیات زیر را کامل کنید(۱)

الف) بازآ که در هوایت خاموشی جنونم / .....

ب) ..... / آنگه رسی به خویش که بی خواب و خور شوی

ج) قلمرو فکری (۸ نمره)

۱۷. معنی عبارات و ابیات زیر را به نثر روان بنویسید.(۵نمره)

الف) حیات از عشق می‌شناس و ممات بی عشق می‌یاب(۰/۵)

ب) هر نفسی که فرومی‌رود ممدّ حیات است و چون بر می‌آید مفرّح ذات(۰/۷۵)

پ) در پیشگاه اهل خرد نیست محترم / هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت(۰/۵)

ت) برکَن زبُن این بنا که باید / از ریشه بنای ظلم برکَند(۰/۵)

ث) محرم این هوش جز بی هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست(۰/۷۵)

ج) یکی از صاحبدلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود(۰/۵)

چ) در این دو شهر تنها سرپری زدیم(۰/۲۵)

ح) صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب / تا شد تهی از خویش و نی‌اش نام نهادند (۰/۷۵)

خ) در عشق کسی قدم نهد کش جان نیست (۰/۵)

---

۱۸. مفهوم عبارت « از بیم عقرب جراره دموکراسی به مار غاشیه حکومت سرهنگها برده اند» یادآور کدام مثل است؟ (۰/۵)

---

۱۹. در مصراع « گفت دیناری بده پنهان و خود را وارهان» شاعر به کدام پدیده اجتماعی دوران خویش اشاره می کند؟ (۰/۵)

---

۲۰. با توجه به بیت‌های زیر به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.(۲نمره)

محرم این هوش جز بی هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست

در غم ما روزها بیگاه شد / روزها با سوزها همراه شد

روزها گر رفت، گو رو، باک نیست / تو بمان، ای آن که جز تو پاک نیست

هر که جز ماهی ز آبش سیر شد / هر که بی روزی است روزش دیر شد

الف) مفهوم بیت اول چیست؟

ب) منظور از « ماهی» و «آب» چیست؟

پ) عبارتهای «بیگاه شد» و « روزش دیر شد» چه مفهومی دارند؟

الهی:

آن را که به زلف تو و دل آویخته باشد

گر ملک جهان نیز رود از دست، غمی نیست (غلام همدانی)

نمره ورقه(به عدد):	به حروف:	نمره تجدیدنظر(به عدد):	به حروف:
نام و نام خانوادگی دبیر:	تاریخ و امضاء	نام و نام خانوادگی دبیر:	تاریخ وامضاء

ردیف	راهنمای تصحیح
۱	فاحش: آشکار، واضح
۲	آوند: آونگ، آویزان، آویخته
۳	فرض: لازم، ضروری، آنچه خداوند بر بندگانش واجب کرده‌است.
٤	غایت‌القصوی: حد نهایی چیزی، کمال مطلوب
٥	سوءِ هاضمه – احداث خاکریز – خوان نعمت بی دریغش – مستغرق
٦	الف) منسوب / ب) ارغند / پ) مستور / ت) عن قریب
۷	الف) واژهٔ «شهر» در گروه اسمی «غربت زندان شهر»: مضاف‌الیه مضاف‌الیه ب) واژهٔ «عمیق» در گروه اسمی «چند حلقه چاه عمیق»: صفت مضاف‌الیه
۸	یك ترکیب اضافی: کارمان / پنج ترکیب وصفی: آن زندگی – زندگی پرزرق‌وبرق – یك اتاق – اتاق کرایه‌ای – یك خانه
۹	الف) تمام جهان: مفعول – عشق: مسند / ب) سنگ: متمم – کوهساران: مضاف‌الیه
۱۰	الف) «را»ی جانشین حرف اضافه (...تا به داروغه بگوییم...) / ب) نشانهٔ مفعول
۱۱	«نیست» اول: فعل اسنادی به معنای نبودن «نیست» دوم: به معنی وجود نداشتن (برای چشم و گوش آن نور وجود ندارد)
۱۲	الف) اسلوب معادله / ب) حسن تعلیل: ارائهٔ دلیل غیرواقعی برای پنهان شدن قلهٔ دماوند پشت ابرها پ) تضاد: تلخ و شیرین / ت) استعاره: گوشمال داده شدن شاعر توسط عشق تشخیص و استعاره است.
۱۳	الف) قدم نهادن: کنایه از وارد شدن – ترك خود: کنایه از ترك تعلقات دنیوی و ایثار ب) کاچی به از هیچی: کنایه از ترجیح دادن مقدار یا تعداد کم از چیزی به مقدار یا تعداد هیچ از آن
۱٤	الف) فیه ما فیه: مولوی / ب) تمهیدات: عین‌القضات همدانی
۱٥	الف) تذکره الاولیا: منثور / ب) مثل درخت در شب باران: منظوم
۱٦	الف) فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران / ب) خواب و خورت ز مرتبهٔ خویش دور کرد
۱۷	الف) زندگی حقیقی را در زیستن با عشق و مرگ حقیقی را در زندگی بدون عشق دریاب. ب) هر نفسی که فرومی‌رود حیات بخش است و بازدم آن شادی بخش وجود است. پ) هر کسی که افکار و آرمان‌های جامعه را محترم نشمرد، نزد خردمندان احترامی ندارد. ت) این بنای ظلم را از ریشه و پی نابود کن؛ زیرا ظلم باید از ریشه نابود شود ث) تنها عاشق حقیقی محرم راز عشق است؛ همانطور که تنها گوش می‌تواند مخاطب زبان باشد

	ج) یکی از عارفان سر در یقه برده و در حال مراقبه بود چ) در این دو شهر تنها توقفی کوتاه داشتیم. ح) یك تکه چوب، متحمل ستم بسیاری از سوی تیغ شد تا این که از خود تهی و تبدیل به نی شد. خ) کسی وارد مسیر عشق می‌شود که از جان خود گذشته باشد.
۱۸	از چاله به چاه افتادن
۱۹	رشوه خواری
۲۰	الف) تنها عاشق و سالك واقعی شایستهٔ آگاهی از راز عشق است. ب) منظور از «ماهی»: عاشق واقعی / منظور از «آب»: عشق پ) بیگاه شدن: کنایه از سپری شدن / روزش دیر شد: کنایه از تباه شدن عمر

ردیف	راهنمای تصحیح
۱	فاحش: آشکار، واضح
۲	آوند: آونگ، آویزان، آویخته
۳	فرض: لازم، ضروری، آنچه خداوند بر بندگانش واجب کرده‌است.
٤	غایت‌القصوی: حد نهایی چیزی، کمال مطلوب
٥	سوءِ هاضمه – احداث خاکریز – خوان نعمت بی دریغش – مستغرق
٦	الف) منسوب / ب) ارغند / پ) مستور / ت) عن قریب
۷	الف) واژهٔ «شهر» در گروه اسمی «غربت زندان شهر»: مضاف‌الیه مضاف‌الیه ب) واژهٔ «عمیق» در گروه اسمی «چند حلقه چاه عمیق»: صفت مضاف‌الیه
۸	یك ترکیب اضافی: کارمان / پنج ترکیب وصفی: آن زندگی – زندگی پرزرق‌وبرق – یك اتاق – اتاق کرایه‌ای – یك خانه
۹	الف) تمام جهان: مفعول – عشق: مسند / ب) سنگ: متمم – کوهساران: مضاف‌الیه
۱۰	الف) «را»ی جانشین حرف اضافه (...تا به داروغه بگوییم...) / ب) نشانهٔ مفعول
۱۱	«نیست» اول: فعل اسنادی به معنای نبودن «نیست» دوم: به معنی وجود نداشتن (برای چشم و گوش آن نور وجود ندارد)
۱۲	الف) اسلوب معادله / ب) حسن تعلیل: ارائهٔ دلیل غیرواقعی برای پنهان شدن قلهٔ دماوند پشت ابرها پ) تضاد: تلخ و شیرین / ت) استعاره: گوشمال داده شدن شاعر توسط عشق تشخیص و استعاره است.
۱۳	الف) قدم نهادن: کنایه از وارد شدن – ترك خود: کنایه از ترك تعلقات دنیوی و ایثار ب) کاچی به از هیچی: کنایه از ترجیح دادن مقدار یا تعداد کم از چیزی به مقدار یا تعداد هیچ از آن
۱٤	الف) فیه ما فیه: مولوی / ب) تمهیدات: عین‌القضات همدانی
۱٥	الف) تذکره الاولیا: منثور / ب) مثل درخت در شب باران: منظوم
۱٦	الف) فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران / ب) خواب و خورت ز مرتبهٔ خویش دور کرد
۱۷	الف) زندگی حقیقی را در زیستن با عشق و مرگ حقیقی را در زندگی بدون عشق دریاب. ب) هر نفسی که فرومی‌رود حیات بخش است و بازدم آن شادی بخش وجود است. پ) هر کسی که افکار و آرمان‌های جامعه را محترم نشمرد، نزد خردمندان احترامی ندارد. ت) این بنای ظلم را از ریشه و پی نابود کن؛ زیرا ظلم باید از ریشه نابود شود ث) تنها عاشق حقیقی محرم راز عشق است؛ همانطور که تنها گوش می‌تواند مخاطب زبان باشد

ج) یکی از عارفان سر در یقه برده و در حال مراقبه بود چ) در این دو شهر تنها توقفی کوتاه داشتیم. ح) یك تکه چوب، متحمل ستم بسیاری از سوی تیغ شد تا این که از خود تهی و تبدیل به نی شد. خ) کسی وارد مسیر عشق می‌شود که از جان خود گذشته باشد.	
از چاله به چاه افتادن	۱۸
رشوه خواری	۱۹
الف) تنها عاشق و سالك واقعی شایستهٔ آگاهی از راز عشق است. ب) منظور از «ماهی»: عاشق واقعی / منظور از «آب»: عشق پ) بیگاه شدن: کنایه از سپری شدن / روزش دیر شد: کنایه از تباه شدن عمر	۲۰